



در کافه اگزیستانسیالیستی چه می‌گذرد؟

روی جلد کتاب نوشته است: با حضور زان پل ساترر، سیمون دوبور، آلبر کامو، مارتین هایدگر، کارل یاسپرس، ادموند هوسرل، موریس مرلوپنتی و بقیه. این عنوان که هر یک تکه‌ای از پازل فلسفه اگزیستانسیال را با خود حمل می‌کنند قطعاً مخاطب علاقه‌مند به فلسفه را مجذوب می‌کند، اما آیا در این کتاب قرار است بارمانی مواجه شویم که همه این ادیبان و فیلسوفان را در کافه‌ای گرد آورده است یا نمایشنامه‌ای از این قبیل با دیالوگ‌هایی میان

واقعیت و تخیل در انتظار ما است؟ در پاسخ باید بگویم که هیچ کدام. در واقع نویسنده این اثر «سارا بیکول» با انتخاب هوشمندانه این عنوان برای اثرش کنجکاو مخاطب را در باب فرم و قالب اثر برمی‌انگیزد. به بیانی کامل‌تر بیکول در کتاب «در کافه اگزیستانسیالیستی» نه قصه گفته است و نه نمایشنامه نوشته است. او تاریخ شکل‌گیری فلسفه اگزیستانسیالیست را از دریچه زمانه و زیست مهم‌ترین نظریه‌پردازان مدرن این فلسفه به مخاطب عرضه کرده است. کتاب از چهارده بخش تشکیل شده است که هر بخش به یک یا چند فیلسوف حوزه پدیدارشناسی و اگزیستانسیالیسم می‌پردازد. اما آنچه این کتاب را از تاریخ‌گویی صرف جدا کرده و مطالعه آن را شیرین می‌کند؛ شخصی‌سازی روایت‌ها توسط نویسنده است. نویسنده «در کافه اگزیستانسیالیستی» به هیچ وجه تلاش نمی‌کند در نقش معلم تاریخ، به عصا قورت‌داده‌ترین شکل ممکن بخشی از تاریخ فلسفه را روایت کند. کاری که او در این کتاب می‌کند ارائه معجونی از زندگی و سیر تاریخ است.

سارا بیکول که در دانشگاه آکسفورد به تدریس نگارش خلاق مشغول است؛ با روایت و زبانی منحصر به فرد نحوه شکل‌گیری ایده‌های بزرگ و مهم فلسفه اگزیستانسیالیست را در دل زندگی و شیوه زیست اندیشمندان این فلسفه نشان می‌دهد. اینکه گاه بزرگ‌ترین ایده‌های فلسفی از ساده‌ترین اتفاقات روزمره متولد می‌شود؛ نکته‌ای است که بیکول تلاش می‌کند در سرتاسر روایت‌هایش آن را پررنگ کند.

فیلسوف‌ها چه شکلی هستند؟

کلمه «فلسفه» و مشتقات آن همواره در نگاه عامه مردم بار سنگینی از علم و دانش انتزاعی را با خود حمل می‌کنند. به همین ترتیب از فلاسفه و شیوه زیست‌شان نیز عموماً تصاویری کلیشه‌ای در ذهن مردم حک شده است.

در کافه اگزیستانسیالیستی اما تمام این کلیشه‌ها در هم شکسته می‌شود. این امر نیز به وسیله فرمی که نویسنده برگزیده تا به کمک آن از فلسفه سخن بگوید رخ می‌دهد؛ به وسیله پیوند نگارش خلاق و فلسفه که در نتیجه آن روایت‌ها شخصی شده و بیکول به شیوه خاص خود هر فیلسوف را همان‌گونه که زیسته به مخاطب معرفی می‌کند.

فیلسوف‌ها در کافه اگزیستانسیالیستی لابه‌لای شیوه زیستن‌شان و حول محور اتفاقات مهم زمانه زیست‌شان به تکمیل تاریخ فلسفه می‌پردازند.

فیلسوف‌ها در کافه اگزیستانسیالیستی مثل همه آدم‌های معمولی دوستانی دارند، به کافه می‌روند، بیمار می‌شوند، تصادف می‌کنند، عاشق می‌شوند، فارغ می‌شوند، عصبان

در فلسفه بعد از سوال پرسش وجودگرا!

نگاهی به کتاب «در کافه اگزیستانسیالیستی»



لادن عظیمی

خبرنگار

می‌کنند، دعوا می‌کنند، حتی گاهی از فاشیسم و کمونیسم حمایت می‌کنند اما همواره در میان تمام این کارهای معمولی «سؤال» می‌کنند. از چیستی و چرایی پدیده‌ها، از خود و دیگران سؤال می‌کنند و همین تفاوت بنیادین آنها با مردم زمانه‌شان است و این درست همان چیزی است که بیکول تلاش می‌کند برای مخاطب روشن کند بی‌آنکه مخاطبش از سنگینی مفاهیم فلسفی کتاب به ملال دچار شود.

مهم‌ترین پرسش کتاب...

مهم‌ترین سؤال‌ای که از دل کتاب و روایت‌هایش برمی‌خیزد این است که ما چه هستیم و چگونه باید زندگی کنیم؟ «در کافه اگزیستانسیالیستی» با پرداختن به مهم‌ترین مفاهیم فلسفه اگزیستانسیالیستی یعنی آزادی، مسئولیت و مرگ، مخاطب را به طرح پرسش‌هایی از خود و تعمق پیرامون آنها وامی‌دارد. در کنار اینها نویسنده با تلفیق زندگی‌فلسفه و فلسفه آنها در روایت‌هایش، نقش «انتخاب» را که از اساسی‌ترین بنیان‌های این فلسفه است برای مخاطب آشکار می‌کند. کاری که پیوند زندگی فیلسوفان با فلسفه‌شان در این کتاب رقم زده است این است که مخاطب را در موقعیت فکری‌ای قرار می‌دهد که بزرگ‌ترین سؤال‌های مهم زندگی‌اش را مسؤلانه ارزیابی کند. اینکه در هر واقعه‌ای کجا ایستاده است و انتخاب می‌کند که چگونه باشد.

از پرسش‌های مهمی که این کتاب پیش روی مخاطبش می‌گذارد این است که ما چقدر محصول و مخلوق انتخاب‌هایمان هستیم؟

فیلسوف‌ها مثل همه آدم‌های معمولی دوستانی دارند، به کافه می‌روند، بیمار می‌شوند، تصادف می‌کنند، عاشق می‌شوند، فارغ می‌شوند، عصبان می‌کنند، دعوا می‌کنند، حتی گاهی از فاشیسم و کمونیسم حمایت می‌کنند اما همواره در میان تمام این کارهای معمولی «سؤال» می‌کنند. همین تفاوت بنیادین آنها با مردم زمانه‌شان است

پرسشی که به مخاطب کمک می‌کند در مسیر زیستن مواجهه مسئولانه‌تری با انتخاب‌هایش داشته باشد. احتمالاً بعد از اینکه از این کافه اگزیستانسیالیستی خارج شوید انووهی از سؤالات را با خود حمل می‌کنید. سؤالاتی که با اساسی‌ترین دغدغه‌های وجودی شما مرتبط هستند. ممکن است بعد از خروج از این کافه، بعد از شنیدن فریاد فیلسوفانش و خطابه‌هایشان پیرامون مسئولیت و وجدان و آزادی؛ بعد از آگاهی از انتخاب‌هایشان در مهم‌ترین بزنگاه‌های تاریخی مثل جنگ جهانی دوم؛ از خود سؤال کنید: اگر آنقدر آزادی داشته باشیم که بتوانیم جهان‌مان را خودمان بسازیم، جهان مطلوب ما چگونه خواهد بود؟ حصول به آزادی چه اندازه مستلزم اخلاق‌مداری و چه اندازه نیازمند زیرپا گذاشتن اخلاق است؟

یک کتاب جمع‌وجور که باعث می‌شود شما همکار مابشوید!

نگاهی به کتاب «چگونه مرور کتاب بنویسیم؟»

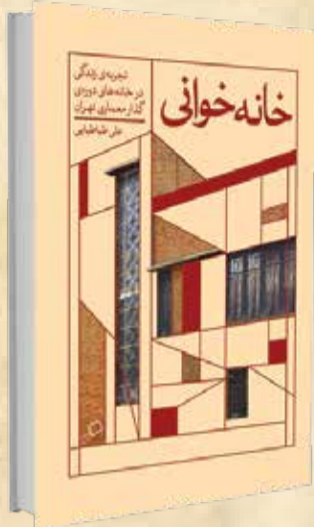
فاطمه منصوری نصرآباد

مترجم

«هر مرور کتاب چه کوتاه باشد و چه بلند، ۱۷۵ واژه یا ۵۰۰ واژه، باید دو نکته مهم را به خواننده خود بگوید: ۱- کتاب در مورد چیست؟ ۲- تا چه حد خوب است؟ این قانونی ثابت و همیشگی برای مرور کتاب است... وقتی مرور نویسنده کتابی در دست دارد، خواه داستانی خواه غیرداستانی، ذهن خودآگاه او در طول فرایند خواندن باید بر این مسئله متمرکز باشد که وقتی قلم به دست گرفت چگونه به این پرسش‌ها پاسخ دهد.» این بخشی از نوشته «برد هوپر» در کتاب «چگونه مرور کتاب بنویسیم؟» است. برد هوپر، مرور نویس و ویراستار سایت booklist، تاکنون کارگاه‌های مرور نویسی زیادی برگزار کرده و براساس تجربه‌ای که کسب کرده دست به نوشتن این کتاب زده است. نویسنده در ابتدای هر فصل موضوعی را برگزیده و راجع به آن توضیحاتی داده و بعد، از مقالاتی که در سایت‌های معتبر نوشته شده مثالی آورده تا مطلب به‌خوبی برای مخاطب جا بیفتد. مؤلف در یکی از فصل‌های کتاب به مرور نویسی برای کتاب‌گویی پرداخته است و تفاوت مرور نویسی بین کتاب صوتی و کتاب متنی را مشخص کرده و به روشنی نکات مهمی از جمله چگونگی لحن و حال و هوا، زبان و سبک، شخصیت‌پردازی و... را برای مخاطب بیان کرده است.

در فصلی دیگر هوپر دست روی برگزاری کارگاه‌های مرور نویسی گذاشته و راجع به چگونگی برگزاری این نوع کارگاه‌ها و مخاطبان آن توضیحاتی ارائه داده است. برای مخاطبی که با پنج عنصر داستان (شخصیت، پی‌رنگ، مضمون، زمینه و سبک) آشنایی ندارد نیز فصلی جداگانه در نظر گرفته شده است. تشخیص کیفیت کتاب داستانی و غیرداستانی یکی از موارد مهم مرور نویسی است که در فصلی به آن پرداخته شده است. مهم‌ترین فصل کتاب مربوط به تفاوت مرور و نقد است. معمولاً خواننده بعد از مطالعه هوشیار کتاب سراغ نقد می‌رود؛ اما برای مرور قضیه فرق می‌کند. مرور به خواننده کمک می‌کند کتابی برای مطالعه هوشیار بعدی پیدا کند. کتاب حجم کمی دارد و انتظار می‌رود نویسنده فقط به موضوعات اساسی پرداخته باشد؛ اما خواننده گاهی مطالب ربط و حوصله سر بری هم می‌خواند. ترجمه کامل‌روان نیست. گاهی جملات خیلی طولانی می‌شوند و خواننده باید آن را دوباره بخواند. باین وجود کتاب به‌خوبی به مخاطب راه و روش مرور نویسی را می‌آموزد. کلام آخر اینکه به قول هوپر برای مرور نویسی خوب شدن مهم‌ترین چیز کسب تجربه است؛ تجربه در خواندن کتاب، تجربه در مرور خوانی و تجربه در مرور نویسی.

هوپر: برای مرور نویسی خوب شدن مهم‌ترین چیز کسب تجربه است؛ تجربه در خواندن کتاب، تجربه در مرور خوانی و تجربه در مرور نویسی



خانه‌هایی که زیسته‌ایم‌شان!

نگاهی کوتاه به کتاب «خانه خوانی»

مصطفی جواهری

خبرنگار

در دانشکده‌های معماری، دانشجویها با یک جمله خیلی زود آشنا می‌شوند و تا سال‌ها با آن مفهوم مانوسند که «معماری، ظرف زندگی است.» طبعاً نمی‌شود به سراغ بررسی معماری خانه‌های دوره‌گذار تهران رفت بدون اینکه توجهی به زندگی آدم‌های ساکن در خانه، نداشته باشیم. کتاب خانه‌خوانی یک تجربه موفق از آرزوی همیشگی پیوند بین متون دانشگاهی (نظیر مقالات و پایان‌نامه‌ها) و مردم عادی است. در خانه‌خوانی با زندگی آدم‌هایی روبه‌رو هستیم که هنوز در خانه‌های دوره‌گذار معماری تهران زندگی می‌کنند. منظور از خانه‌های دوره‌گذار، خانه‌هایی است دوسه طبقه، با نمای آجر بهمینی (همان‌هایی که رگه‌های سرخ و زرد دارند) یا سیمانی، با ایوان‌هایی بیرون‌زده از خانه که پنجره‌هایی چوبی با فریم‌های فلزی شبیه به آثار هنری دارند و عمرشان به سال‌های دهه بیست و سی و نهایتاً چهل می‌رسد. خانه‌هایی که خیلی از ما خاطرات عمیقی از دوران کودکی‌مان را مدیون اتاق‌های آنها هستیم.

علی طباطبایی در خانه‌خوانی، به سراغ شنیدن تجربه زیسته ساکنان این خانه‌ها رفته است. تجربه زیسته‌ای که کمک به فهم تأثیرات خانه بر ساکنانش و تأثیرات اهالی خانه بر خانه می‌کند. تأثیراتی که خانه، به مثابه یک شخصیت، روی زندگی، حال و احوال، درونیات و خلق‌وخوی ساکنانش در طول سال‌های زندگی در آن می‌گذارد و از طرفی، تأثیرات یا حتی تغییراتی که اهالی ساکن در خانه ممکن است روی کالبد بنا بگذارند. تغییراتی که یا در حین ساخت خانه در گفت‌وگوهای رفت‌وبرگشتی بین کارفرما و معمار، برای نزدیک‌تر شدن به پاسخی مناسب به نیازهای کارفرما ایجاد شده یا پس از ساخت آن و در طول زیست اهالی در آن، مهم، دریافت وجود یک شخصیت فعال و نه منفعل، برای خانه است. شناختی که حاصل از زندگی و نفس کشیدن درون آن است.

خانه‌خوانی، به سراغ ده‌دوازده «جا، گوشه، عنصر یا فضای معماری» رفته است که تقریباً مختص خانه‌های گذار است و دیگر در معماری خانه‌های پس از آن و آپارتمان‌های کنونی، یافت نمی‌شود. راهروهای مشترک بین همسایه‌ها، طبقه دوم دورتر از بقیه، بهارخواب‌های رؤیایی و میزبان خیال، ایوان‌های بیرون‌زده بینابین خانه و خیابان، پستوها و گوشه‌های آشنای قایم‌باشک‌ها، حیاط‌های خرمالودار ضامن حیات و زندگی خانه‌ها، راه‌پله‌هایی با بازشوهای قدی و فضاهایی که بسیار متنوع‌اند و در عین حال، باکیفیت. خانه‌خوانی، روایت زندگی ساکنان خانه‌هایی است که آنها را زیسته‌ایم و در این روزها، مواقعی پیش می‌آید که دلتنگ حیاط بدون اشرف و آفتاب پهن‌شده به روی فرش لاکمی میان نشیمن آن هستیم. پیشنهاد خوبی است برای مطالعه!



علی طباطبایی در خانه‌خوانی، به سراغ شنیدن تجربه زیسته ساکنان این خانه‌ها رفته است. تجربه زیسته‌ای که کمک به فهم تأثیرات خانه بر ساکنانش و تأثیرات اهالی خانه بر خانه می‌کند